

تحلیلی بر مناقشات مرزی ایران با عثمانی و عراق در نوار مرزی ایلام

مرتضی اکبری^۱، سیاوش یاری^۲

تاریخ دریافت:
۹۴/۰۱/۱۱ تاریخ
پذیرش:
۹۴/۰۳/۱۶

از صفحه ۶۵ تا ۸۴

فصلنامه علمی-ترویجی مطالعات
تاریخ انتظامی
سال دوم، شماره پنجم،
تابستان ۱۳۹۴

چکیده

در عصر قاجاریه با وجود دولت مرکزی، در بسیاری از مناطق ایران خاندان‌هایی با تکیه بر ایل و تبار خویش به صورت ملوک‌الطوایفی بر مناطقی از ایران حاکمیت داشتند که در زمان جنگ و پرداخت مالیات، مطیع شاهان قاجار بوده و بیشتر مواقع هم‌چون حاکمانی مستقل عمل می‌کردند. والیان فیلی پشتکوه از جمله این خاندان‌ها بودند که بر استان ایلام امروزی حاکمیت داشتند و حدود سیصد سال از مرزهای ایران در برابر تجاوز عثمانی‌ها به دفاع پرداختند. پس از فروپاشی دولت عثمانی در جنگ جهانی اول، دولت عراق در مرزهای غربی ایران تشکیل شد و مناقشات مرزی ایران و عثمانی جای خود را به مناقشات ایران و عراق داد که تا آغاز جنگ تحمیلی (۱۳۵۹/۶/۳۱) ادامه یافت. مقاله پیش‌رو با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع در صدد بررسی و تحلیل دلایل مناقشات مرزی ایران با عثمانی و بعدها عراق در نوار مرزی ایلام است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد خودسری‌های حکام محلی دولت عثمانی و مرزداران عراقی در دست‌درازی به خاک ایران، نیاز کشاورزان عراق به آب رودخانه‌های مرزی، حضور اهالی ایلام در عراق و توسعه‌طلبی سران حزب بعث عراق برای تسلط بر برخی از نقاط مرزی، از عوامل اصلی بروز مناقشات مرزی این دولت‌ها در مرزهای ایلام بوده است.

کلیدواژه‌ها

ایران، عثمانی، عراق، پشتکوه (ایلام)، مناقشات مرزی.

۱- استادیار تاریخ اسلام دانشگاه ایلام (نویسنده
مسئول) ایمیل: mo.akbari@mail.ilam.ac.ir
۲- دانشیار تاریخ اسلام دانشگاه ایلام، s.yari@ilam.ac.ir

۱- مقدمه (اهمیت و ضرورت تحقیق)

امروزه مسئولیت حفاظت و حراست از مرزهای کشورمان بر عهده نیروی انتظامی است، ولی در ادوار گذشته این وظیفه بر عهده والیان و امرای سرحدی بود که با استقرار تفنگ‌چینی در نوار مرزی در برابر تعرض و یا تجاوز بیگانگان به مقابله پرداخته و با اطلاع‌رسانی به موقع به مرکز، نیروهای مرکزی را به کمک خود فرامی‌خواندند. در دوره‌های صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه در نوار مرزی ایلام، والیان سلویزی و پشتکوه حاکمیت داشتند و آنان از مرزهای این منطقه در برابر تعرض یا حمله عثمانی‌ها جلوگیری می‌کردند و مسئولیت امنیت مردم و مرزها را در این منطقه بر عهده داشتند. در این بستره جغرافیایی-تاریخی مناقشات زیادی بین ایران و عثمانی و عراق روی داده که برخی از این اختلافات در نوار مرزی استان ایلام صورت گرفته است. مناقشات ایران و عثمانی و عراق در نوار مرزی غرب کشور از دوره صفویه شروع گردید و منجر به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سی و یک شهریور ۱۳۵۹ ه.ش گردید. برخی از این مناقشات و درگیری‌ها در نوار مرزی استان ایلام واقع گشته که ضرورت دارد در این زمینه تحقیق منسجمی انجام گیرد. سابقه اختلافات مرزی ایران با عثمانی و عراق در کتاب‌های متعددی مورد بحث قرار گرفته است. در این زمینه می‌توان به این موارد اشاره کرد. در مرکز اسناد تاریخی وزارت امور خارجه، اسناد زیادی در این زمینه وجود دارد. در کتاب‌هایی چون «گزارش‌های سیاسی میرزا محمود خان علاءالملک طباطبایی» تألیف ابراهیم صفایی (۱۳۵۲)، «چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم» تألیف مسعود کوهستانی‌نژاد (۱۳۸۴)، «گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی دوره قاجار» (۱۳۶۹) و «بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق» تألیف اصغر جعفری ولدانی (۱۳۷۶)، اطلاعات مفیدی درباره اختلافات مرزی ایران و عراق آمده است. کتاب‌های زیادی توسط محققین ایلامی در مورد تاریخ استان ایلام تألیف شده که به این موضوع به صورت پراکنده اشاره کرده‌اند، همچنین مقاله‌ای تحت عنوان «روابط ایران و عراق در عصر پهلوی با نگاهی به نقش مردم ایلام

در روابط دو کشور، در فصلنامه علمی - ترویجی فرهنگ ایلام در سال ۱۳۹۳ توسط مرتضی اکبری چاپ شده است. از این رو مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی درصدد است، عوامل و زمینه‌هایی که منجر به مناقشات مرزی این دولت‌ها در نوار مرزی استان ایلام گشته به صورت نظام‌مند مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

۲- موقعیت جغرافیایی استان ایلام

استان ایلام با مساحتی در حدود بیست هزار کیلومتر مربع، در غرب کشور، بین ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی و ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی نسبت به نصف‌النهار گرینویچ قرار دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۷: ۴-۵ و ۲۴). این استان از شمال به استان کرمانشاه، از غرب به کشور عراق، از جنوب به استان خوزستان و عراق و از شرق به استان لرستان محدود است (بدیعی، ۱۳۶۲: ۱۱۲/۳). استان ایلام بر اساس آخرین تقسیمات کشوری، دارای ده شهرستان به نام‌های: آبدانان، ایلام، ایوان، دهلران، سیروان، چرداول، دره شهر، مهران، ملکشاهی و بدره است. این استان ۴۲۵ کیلومتر با کشور عراق مرز مشترک دارد و در تقسیمات سیاسی و بین‌المللی، طولانی‌ترین مرز خشکی را با این کشور دارد. در ادوار گذشته، از جمله دوره قاجاریه، طولانی‌ترین مرز را با عثمانی‌ها داشت که در تحولات سیاسی آن زمان، والیان ایلام نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. استان ایلام تا قبل از سال ۱۳۴۳ ه.ش یکی از شهرستان‌های تابع استان کرمانشاه بوده و سپس با تغییراتی در تقسیمات کشوری در سال ۱۳۴۵ ه.ش به فرمانداری کل و در سال ۱۳۵۳ ه.ش به دلیل مرز مشترک زیادش با دولت عراق به استان تبدیل و شهر ایلام به عنوان مرکز آن انتخاب گردید (اکبری، ب، ۱۳۹۳: ۳۵۷، ۳۶۵).

۳- مناقشات مرزی ایران با عثمانی در نوار مرزی ایلام در عصر قاجاریه:

استان امروزی ایلام مدت‌ها تحت حاکمیت اقوام گوتی، لولوبی و کاسی‌ها بوده است. سپس در عصر ایلام باستان جزو قلمرو ایالت ورهشی (شامل سرزمین‌های غرب و شمال

غرب لرستان کنونی و استان ایلام امروزی) بود و بیشتر مواقع بین حاکمان بین‌النهرین و ایلام باستان، دست به دست می‌شد و هرگاه دولت مرکزی ایلام ضعیف می‌شد، به صورت مستقل عمل می‌کرد. در دوره‌ی ساسانیان دو ایالت ماسبدان (در قسمت‌های شمالی) و مهرجانقدق (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۲۱۸/۱ / یاقوت حموی، ۱۳۶۲: ۱۱۹، ۱۲۵/راولینسون، ۱۳۶۲: ۴۸) در مناطق جنوبی در محدوده‌ی جغرافیایی استان ایلام امروزی قرار داشتند. با ورود مسلمانان به ایران، مناطق مختلف استان ایلام طی سال‌های ۱۶ تا ۲۱ هجری از سوی فاتحان مسلمان تصرف شد (طبری، ۱۳۷۵: ۱۸۴۰/۵ / ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۹/۱۹) و از طریق فرماندهان کوفه و بصره به قلمرو متصرفات مسلمانان افزوده شد (مرادی مقدم، ۱۳۸۵: ۳۹). این سرزمین تا تشکیل حکومت اتابکان لر کوچک به صورت مستقیم از سوی خلفای اموی و عباسی اداره می‌گردید و بیشتر مواقع حاکمان مستقلی داشته است. استان ایلام از قرن ششم هجری (۵۷۰ ه.ق) تا سال ۱۰۰۶ ه.ق یعنی انقراض اتابکان لر کوچک، تحت قلمرو اتابکان لرستان قرار داشت و این منطقه به عنوان یکی از مناطق مهم مرزی با دستگاه خلافت عباسی و از قطب‌های کشاورزی و دام‌پروری همیشه بین عباسیان و اتابکان لر کوچک دست به دست می‌شد، اما تحت حاکمیت اتابکان اداره می‌گردید (راولینسون، ۱۳۶۲: ۴۸ / سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۳۲).

این منطقه از سال ۱۰۰۶ ه.ق با تشکیل حکومت والیان لرستان تحت سیطره و حاکمیت خاندان حسین‌خان سلویزی قرار گرفت (یعقوبی، ۱۳۸۶: ۸۵) و در طول فرمانروایی صفویان، افشاریه، زندیه و تا عصر حاکمیت فتحعلی شاه قاجار تحت قلمرو والیان لرستان بود، ولی از عصر فتحعلی شاه، مرکز فرمانروایی والیان از پیشکوه (خرم‌آباد) به پشتکوه (استان ایلام امروزی) منتقل شد و این خاندان تا فرار «غلامرضاخان والی» در سال ۱۳۰۷ ه.ش به بغداد، حاکمیت پشتکوه را به دست گرفتند (راولینسون، ۱۳۶۲: ۴۸، یعقوبی، ۱۳۸۹: ۲۰-۲۷). از تأسیس صفویه (۹۰۷ ه.ق) تا آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در سی‌ویک شهریور ۱۳۵۹ ه.ش یکی از مهم‌ترین مسائل خارجی ایران، مسئله‌ی مرزهای ایران و عثمانی و عراق در غرب کشور بوده

است. در دوره صفویه با آن که در بعضی از مقاطع تاریخی همچون عصر شاه عباس، ایران از اقتدار زیادی برخوردار بود، اما هم چنان مشکل مرزهای ایران و عثمانی در غرب کشور حل نشد. از انعقاد عهدنامه‌ی صلح آماسیه در سال ۹۶۲ ه.ق / ۱۵۵۵ م در عصر شاه تهماسب اول صفوی تا عهدنامه ۱۹۷۵ م الجزیره، حدود هیجده عهدنامه بین ایران و عثمانی و سپس ایران با ترکیه و عراق در مورد نوار مرزی غرب کشور انعقاد یافته است (صحرايي، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۶).

قراردادهای استانبول اول و دوم در عصر شاه عباس اول صفوی، قرارداد ذهاب در سال ۱۰۴۹ ه.ق / ۱۶۳۹ میلادی در عصر شاه صفی، عهدنامه گردان در عهد شاه تهماسب دوم صفوی در سال ۱۱۴۵ ه.ق / ۱۷۳۲ م، از مهم‌ترین قراردادهای بین ایران و عصر صفوی با دولت عثمانی بود که در خصوص رفع مناقشات و مشکلات نوار مرزی منعقد شده است (ولایتی، ۱۳۸۶: ۱۶-۳۲)، اما هیچ‌کدام از این قراردادها، مشکلات مرزی دو کشور را حل نکرد و حتی در بعضی مواقع از جمله در عصر شاه عباس اول و در دوره‌ی حاکمیت شاهوردی‌خان، حاکم‌نشین لر کوچک، استان ایلام مدت‌ها تحت حاکمیت عثمانی درآمد (منشی، ۱۳۷۷: ۲ / ۶۳۳-۶۳۴ و ۶۹۱). شاه عباس اول در سال ۹۹۸ ه.ق / ۲۱ مارس ۱۵۹۰ میلادی برای جلوگیری از مشکلات داخلی با عثمانی‌ها در استانبول صلح کرد و قسمت‌های غربی ایران از جمله استان ایلام را که در اختیار شاهوردی‌خان بود تا نهند به عثمانی واگذار کرد (مهدوی، ۱۳۶۹: ۵۶)، ولی پس از چندی این مناطق را از عثمانی بازستاند. در دوره افشاریه، مناقشات مرزی ایران و عثمانی حل نشد و نادرشاه عهدنامه گردان را به رسمیت نشناخت و آن را لغو کرد. در عصر زندیه و در زمان کریم‌خان بصره به تصرف ایران درآمد، ولی اندکی بعد آن را از دست داد و اختلافات مرزی همچنان بین دو کشور باقی ماند (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۷).

در عصر فتحعلی شاه و محمدشاه قاجار بار دیگر اختلافات مرزی ایران و عثمانی به درگیری‌های نظامی کشیده شد، ولی سرانجام با انعقاد عهدنامه ارزروم اول در سال ۱۲۳۸ ه.ق / ۱۸۲۳ م در عصر حکومت فتحعلی شاه تا حدودی اوضاع مرزها آرام شد، اما

در عصر محمدشاه عهدنامه ارزروم دوم که باهمت و تلاش امیرکبیر با دولت عثمانی بسته شد، برای مدت‌ها اختلافات مرزی دو کشور را حل کرد. این قرارداد در سال ۱۲۶۳ ه.ق/ ۱۸۴۷ م، بین دو کشور مذکور منعقد گردید (ولایتی، ۱۳۸۶: ۲۲-۲۵). پس از این قرارداد، سه نشست کمیسیون تحدید حدود مرزی در سال‌های ۱۲۶۶ ه.ق/ ۱۸۵۰ م. ۱۲۹۲ ه.ق/ ۱۸۷۵ م و ۱۳۲۳ ه.ق/ ۱۹۰۵ م، بین ایران و عثمانی بر سر اختلافات مرزی انجام گرفت که نتایجی در بر نداشت. در سال ۱۳۳۱ ه.ق/ ۱۹۱۳ میلادی پروتکلی بین ایران و عثمانی، انگلیس و روسیه بسته شد که به موجب آن دولت‌های روسیه و انگلستان به عنوان حکم و مسئول تعیین مرز ایران و عثمانی انتخاب شدند. در سال ۱۳۳۳ ه.ق/ ۱۹۱۴ م، کمیونی برای اجرای اهداف پروتکل تشکیل شد و به طور موقت مرزهای دو کشور را علامت‌گذاری کردند (شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۰۶-۲۱۰). مهم‌ترین موارد اختلاف ایران و عثمانی در نوار مرزی ایلام، احساس مالکیت ایران و عثمانی بر معادن نمک پشتکوه، تسلط بر مناطق صیفی، ملخطاوی و باغ‌شاهی و مسئله رودخانه‌های مرزی این استان بوده (اکبری، ۱۳۹۰: ۲۶؛ صحرایی، ۱۳۸۹: ۵۱) و هم‌چنین اقامت چندین هزار نفر از اهالی ایلام در عراق که به کار اشتغال داشتند (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۶۸-۶۹). از این‌رو به صورت تفصیلی به بررسی و تحلیل مناقشات مرزی ایران و عثمانی و عراق در نوار مرزی استان ایلام به شرح ذیل اشاره پرداخته می‌شود.

در ربیع‌الاول ۱۲۸۷ ه.ق با فشار دولت ایران و حسینقلی‌خان والی پشتکوه، عثمانی‌ها صیفی، ملخطاوی و باغ‌شاهی را تخلیه نمودند و از والی پشتکوه خواسته شد در این مناطق حرکتی علیه عثمانی نکند. در سال ۱۲۷۸ ه.ق حسینقلی‌خان والی پشتکوه، تمام مالیات و خمس اراضی مردم ملخطاوی که قرار بود با دولت عثمانی نصف شود، به تصرف درآورده و برای خود انبار کرده بود و اموال و حیواناتی را از روستاهای بدره و ژرباطیه (واقع در عراق امروزی) به غارت برد (مهران، ۱۳۸۸: ۷۳، ۷۶). بر اساس سند شماره ۲۱۵ به تاریخ ۲۹ صفر ۱۲۷۸ ه.ق. احمد توفیق پاشا استرداد

آن‌ها را از ایران درخواست کرده است. همچنین در سال ۱۲۸۰ ه.ق اهالی زرباطیه عراق، آب رودخانه کنجان‌چم را تصاحب کرده و مانع استفاده‌ی مردم ملخطای و صیفی شده بودند (اکبری، ۱۳۸۶: ۴۸۸-۴۸۹)، لذا دولت ایران همان‌طور که در سند شماره‌ی ۲۱۶ ماه رمضان سال ۱۲۸۰ ه.ق و سند شماره ۲۱۷ به تاریخ ۲۲ ذی‌قعدة ۱۲۸۰ ه.ق مشاهده می‌گردد، خواستار رسیدگی به وضع موجود شد و خواهان دادن آب به مردم ملخطای و صیفی (در مهران) گردیده است و در اسناد شماره ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۳۴، در مورد اختلافات ایران و والی بغداد (احمد پاشا) بر سر مالیات مناطق ملخطای و صیفی و تقسیم آب کنجان‌چم، مکاتباتی بین دولت ایران و والی بغداد شده و در آن اسناد از حق مطلق ایران مبنی بر مالکیت مناطق ملخطای، صیفی و رودخانه‌ی کنجان‌چم یادشده است (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی در دوره‌ی قاجار، ۱۳۶۹: ۲/ ۳۲۹-۳۲۸ و عباسی، ۱۳۷۲: ۶-۱۱).

در سال ۱۲۸۶ ه.ق تعدادی از نزدیکان و وابستگان حسینقلی خان، والی پشتکوه، پس از عبور از مرز به مندلی حمله کردند و عده‌ای از زوار را در آنجا غارت کردند. در سال ۱۲۸۷ ه.ق عثمانی‌ها قصد تصرف باغ سایبی و بیات و دهلران را در سر داشتند. دولت ایران از والی پشتکوه خواست جلوی آن‌ها را بگیرد و همچنین از حسینقلی خان، خواسته شد علاوه بر جلوگیری از تجاوز عثمانی‌ها به مرز پشتکوه (ایلام)، به منطقه جسان و بدره و مندلی حمله کرده و آنجا را غارت کند و به آتش بکشاند (وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹: ۲/ ۲۲۳-۶۱۴). در این عصر حسینقلی خان مرزدار ایران در پشتکوه بوده و مسئولیت امنیت مرزهای ایران را در این منطقه عهده‌دار بود و بااقتدار تمام مرزها را در مقابل تعرض عثمانی‌ها حفاظت می‌کرد.

در سال ۱۲۹۵ ه.ق عثمانی‌ها ادعای مالکیت معادن نمک واقع در مرز ایران و عثمانی در نواحی غربی ایلام را داشتند، اما ناصرالدین‌شاه شخصاً نامه‌ای به دربار عثمانی نوشت و حق مسلم مالکیت ایران بر معادن نمک پشتکوه را تثبیت کرد و در این نامه مرز ایران و عثمانی را پنج فرسنگ جلوتر از این معدن نمک نوشته و معدن نمک

را داخل خاک ایران [میمک] ذکر کرده است (نصیری، ۱۳۷۱: ۲۰۲/۳). این معدن بعدها به مالکیت کامل ایران درآمد. در سال‌های ۱۲۹۰ و ۱۳۰۳ ه.ق اختلافات ایران و عثمانی در مورد مناطق مرزی پشتکوه شامل مناطق صیفی، ملخطای و باغشاهی ادامه داشته است و برای دولت‌های ایران و عثمانی مشکلات و مسائلی را به وجود آورد (همان: ۳۰۸ و ۳۱۵). در سال ۱۲۹۰ ه.ق بار دیگر حسینقلی‌خان والی پشتکوه در سیدحسن و باغشاهی به خاک عثمانی حمله برد که این تجاوز، مورد اعتراض دولت عثمانی قرار گرفت (عباسی، ۱۳۷۲: ۲۴۵-۲۴۶). در جمادی‌الثانی سال ۱۳۰۰ ه.ق یکی از اهالی عشیره ملخطای به نام بلاسم و برادرش طاهر، با تعداد حدود پنجاه نفر تفنگچی به منطقه بدره، در خاک والی‌گری بغداد حمله کرده و حدود چهارصد رأس الاغ و گاو و گوسفند را از ناحیه‌ی بدره غارت کرده و با خود به پشتکوه آورد (وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹: ۲ / ۶۸۱). در سال ۱۳۰۵ ه.ق حسینقلی‌خان والی پشتکوه، ضمن حمله به قلمرو عثمانی‌ها، توانست عده‌ای از کشاورزان رعیت خود را به اراضی سیدحسن (امامزاده سیدحسن در مهران) بفرستد و در آنجا به کشاورزی بپردازند. این اقدام والی، موجب اعتراض دولت عثمانی قرار گرفت. در سال ۱۳۱۳ ه.ق دولت عثمانی نسبت به مالکیت خود بر اراضی سیدحسن از مناطق صیفی و ملخطای پافشاری کرد، اما دولت ایران این مالکیت را به رسمیت نشناخت (همان: ۳۲۳، ۳۴۱). تسلط ایران بر مناطق صیفی و ملخطای در نتیجه‌ی اقتدار والیان ایلام بود که به خوبی از مرزهای ایران در این منطقه در برابر عثمانی‌ها دفاع کرده و امنیت لازم برای مردمی که در این مناطق مسکون شده بودند را فراهم کردند.

در سال ۱۳۱۸ ه.ق عثمانی‌ها، در زمان سلطنت مظفرالدین‌شاه قاجار و در اوایل حاکمیت غلامرضاخان، والی پشتکوه، از مسیر رودخانه‌ی گنگیر به بخش سومار و ایوان تجاوز کردند و اموال، دارایی و محصولات کشاورزی مردم را غارت کردند و خسارت زیادی را به بار آوردند. در آن عصر، ایوان تابع قلمرو کرمانشاهان بود و منطقه سومار به دلیل قرابت‌های فامیلی و حتی تقسیمات سیاسی جزو ایوان محسوب می‌شد

(اکبری، ۱۳۸۶: ۵۰۴). در باره حمله عثمانی‌ها به اهالی سومار و ایوان و خسارتی که آن‌ها در آنجا به بار آورده‌اند، علاءالملک در گزارش‌های سیاسی خود، یادداشتی به خط میرزا نصراله‌خان مشیرالدوله نائینی، وزیرخارجه آورده و در این رابطه چنین نوشته است: «چرا عثمانی‌ها چنین اقدامی بی‌مقدمه کردند و قشون دولتی به خاک ایوان کرمانشاهان فرستاده و به صدد خسارت به سکنه سومار برآمدند» (صفایی، ۱۳۵۲: ۱۵۱-۱۵۲). کرزون آورده است: «غلامرضاخان والی بیشتر اوقات، به منظور دستبرد به مرزنشینان عثمانی، به خاک آن‌ها حمله کرده و اموال و دارایی آن‌ها را به غارت برده است. شاید به همین دلیل، عثمانی‌ها مقابله به مثل کرده‌اند و به مهران حمله کرده باشند تا اموال مردم آنجا را غارت کنند» (کرزون، ۱۳۵۰: ۲/۳۳۷)، اما بر خلاف نظر کرزون باید متذکر شد آغاز کننده تجاوز و غارت در نوار مرزی ایلام بیشتر از سوی عثمانی‌ها بوده است نه از سوی والی پشتکوه. برای تأیید این ادعا می‌توان به مورد زیر اشاره کرد.

در سال ۱۳۲۶ ه.ق نیروهای دولت عثمانی که متشکل از دو هنگ مجهز به توپخانه بودند، باهدف غارت محصولات کشاورزان مهران به این منطقه حمله کردند. غلامرضاخان والی پشتکوه، عده‌ای تفنگچی به سرگردگی سید جواد، پسر عموی خود، برای جلوگیری از تجاوز عثمانی‌ها اعزام کرد. این نیروها، عده‌ای از عثمانی‌ها را کشتند و چند نفر را به اسارت گرفتند. از این تاریخ به بعد، غلامرضاخان والی، عده‌ای تفنگچی را در مهران، چنگوله و دهلران در مرز عثمانی و مسیر تجاوز آن‌ها گمارد و به این ترتیب تا قبل از جنگ جهانی اول و تعیین مرزها، تجاوزی چشمگیری از سوی عثمانی‌ها به خاک ایران در منطقه پشتکوه صورت نگرفت و حتی در هنگام تعیین حدود مرزی (در سال ۱۹۱۴ میلادی)، باغشاهی که از آب رودخانه چنگوله آبیاری می‌شد، به غلامرضاخان والی به عنوان ملک شخصی واگذار شد (افشار سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۶۱). استقرار نیروهای والی در نوار مرزی ایلام باعث تثبیت اوضاع گردید و بعد از آن عثمانی‌ها چندان به نوار مرزی ایلام تعرض نکردند. عثمانی‌ها و سپس عراقی‌ها اختلاف زیادی در مورد رودخانه‌ی چنگوله با والی پشتکوه و مردم چنگوله

نداشته‌اند. شاید شوری زیاد آب، عدم وجود زمین‌های مرغوب و تعداد کم جمعیت در مسیر رودخانه مذکور، باعث شده بود دو کشور همسایه بر سر این رودخانه اختلاف نظر خاصی نداشته باشند.

تسلط والیان بر نوار مرزی ایلام (گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی در دوره‌ی قاجار، ۱۳۶۹: ۲۲۸-۳۲۹ و عباسی، ۱۳۷۲: ۶-۱۱)، دست‌درازی عثمانی‌ها به خاک ایران برای غارت اموال مردم مرزنشین در مرزهای ایلام و مقابله به مثل والیان این منطقه و استفاده بیش از حد کشاورزان مرزنشین از آب رودخانه‌های مرزی، عوامل مهمی هستند که موجب اختلاف بین ایران با عثمانی و عراق گردید، اما این اختلاف نظرها، گاهی با تفاهم دولت ایران و آن دو دولت رفع می‌شد. مناقشات مرزی ایران با عثمانی و عراق، گاهی بر سر غارت محصولات کشاورزی مردم مهران و مرزنشینان ایلام از سوی مردم تبعه عثمانی در زرباطیه و بدره بوده است (سیستانی، ۱۳۷۲: ۱۵۹)، اما بیشترین اختلاف‌ها در مرزهای استان ایلام در باره رودخانه‌ها بوده است. در نهم ذی‌حجه ۱۳۰۸ ه.ق در مورد قطع احتمالی مسیر آب رودخانه گنگیر - که از ایوان سرچشمه گرفته و با گذر از سومار به خاک والی گری بغداد (مندلی) وارد می‌شد (اکبری، ۱۳۸۶: ۴۹۸) - توسط خان‌احمدخان حاکم ایوان، سفارت عثمانی به وزارت خارجه ایران نامه‌ای نوشته و خواسته است که خان احمدخان، حاکم ایوان، آب رودخانه گنگیر را قطع نکند و مانند سال‌های گذشته هم‌چنان به سوی خاک عراق جاری باشد (گزیده اسناد سیاسی، ۱۳۶۹: ۷۱۱ / ۲).

در اسفندماه ۱۲۹۷ ه.ش سرپرسی ساکس سفیر انگلیس در تهران، از وزارت خارجه ایران خواست، کنترل دشت سومار که رودخانه گنگیر از آن می‌گذرد را از والی پشتکوه گرفته و به والی کرمانشاه واگذار شود، اما دولت ایران با این پیشنهاد موافقت نکرده است، ولی در سال ۱۲۹۸ ه.ش به خاطر وضعیت امنیت این منطقه به حاکمیت کرمانشاهان واگذار گردید (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۵۰-۴۹). موضع ضدانگلیسی والی

پشتکوه باعث شد، انگلیسی‌ها خواستار جدایی سومار از قلمرو والی پشتکوه شوند (اکبری، ب، ۱۳۹۳: ۱۴۱).

در جریان جنگ جهانی اول، غلامرضاخان، والی پشتکوه موضع ضد انگلیسی خود را آشکار کرد و با دولت موقت در کرمانشاه همکاری کرد (اتحادیه، ۱۳۷۹: ۲۰۹) و به آلمان گرایش پیدا کرد (سپهر، ۱۳۶۲: ۳۳۴). با آغاز جنگ جهانی اول، هنگ ششم ژاندارمری به فرماندهی محمودخان از اصفهان و از طریق گلپایگان، بروجرد، خرم‌آباد، پشتکوه و ذهاب به سوی قصر شیرین که مرکز عمده قوای نظامی ایران بود، حرکت کرد (مهدی‌نیا، ۱۳۶۹: ۶۳۳) و با ورود این سپاه به حوالی پشتکوه غلامرضاخان والی به کمک مردم این منطقه، امنیت آنان را تأمین کرد. در خلال جنگ جهانی اول، دولت موقت به منظور حمایت از آلمان‌ها و کمک به دولت عثمانی در کرمانشاه به ریاست رضاقلی‌خان نظام‌السلطنه مافی تشکیل شد تا در صورت پیروزی متحدین (آلمان‌ها و متحدانش) این گروه استقلال ایران را حفظ کند. با تشکیل دولت موقت در کرمانشاه حدود ۳۰۰۰ نفر از نیروهای ژاندارم و ۵۰۰۰ هزار سوار به فرماندهی نظام‌السلطنه، والی لرستان از مرزهای غربی دفاع کرده و قول مساعد و همکاری به آلمان داده بودند و غلامرضاخان والی پشتکوه هم قول داده بود، چند هزار نفر نیروی جنگی به کمک آنان بفرستد تا با دول متفق (روس و انگلیس) بجنگند (مجد، ۱۳۹۰: ۱۷۵). گرایش غلامرضاخان به آلمان باعث شد که بسیاری از جاسوسان آلمانی به راحتی بتوانند از طریق کوه‌های صعب‌العبور پشتکوه وارد مناطق جنوب غربی و مرکزی ایران شده و نیروی ستون پنجم آلمان را در ایران تشکیل دهند. واسموس در سال دوم جنگ جهانی اول (۱۹۱۵ م)، قبل از سقوط بغداد، با کاروان بزرگی که شامل اسلحه و جعبه‌های محتوی کیسه‌های لیره ترکی و اوراق تبلیغی به زبان‌های فارسی، عربی، هندی و پشتو بود، به اتفاق دکتر لندرس آلمانی و یک نفر مترجم ایرانی از اسلامبول وارد بغداد (فراشبندی، ۱۳۶۵: ۱۴۰-۱۳۹) و پس از آن قلمرو ایلام شد. والی برای جلوگیری از هجوم انگلیسی‌ها به مرزهای غربی کشور، دست به اقداماتی در محدوده مرزهای غربی

قلمرو خود زد و چندین قلعه نظامی را بنا کرد و حدود سیزده هزار نفر از جوانان و عشایر پشتکوه را مسلح نمود و در مناطق مرزی و حدود مرز ایران و عثمانی، آماده‌ی مقابله با دشمنان کرد. نیروهای نظامی انگلیس در نبردی در کوت‌العماره از عثمانی شکست خوردند و این شکست، باعث آسودگی خاطر والی در آن منطقه شد. پس از شکست انگلیسی‌ها در کوت‌العماره، غلامرضاخان والی برای مقابله با روس‌ها نیروهایی را به کرمانشاه اعزام کرد. به دلیل اقتدار والی و نیروهای تحت فرمانش تنها منطقه‌ای که در جنگ جهانی اوّل به تصرف دول متفق نرسید، ایلام بود و آن دسته از نیروهای روسی که وارد شمال ایلام شدند توسط تفنگچیان والی غارت شدند. اموال غارت شده بعدها به نیروهای روسی بازگردانده شد (اکبری، الف، ۱۳۹۳: ۲۵).

۴- اختلاف ایران با عراق بر سر نقاط مرزی

امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اوّل (۱۹۱۸-۱۹۱۴ م) تجزیه شد و از تجزیه آن، دو کشور ترکیه و عراق به عنوان همسایگان شمال غربی و غرب ایران تشکیل شدند. از این تاریخ به بعد اختلافات ایران و عثمانی جای خود را به اختلافات ایران و عراق داد. دولت تازه تأسیس عراق به منظور تسلط بر بعضی از ارتفاعات و نقاط حساس مرزی ایران در مرز ایلام و به دست آوردن آب رودخانه‌های مرزی، همیشه به دنبال بهانه بود تا آن مناطق را تصرف کند و بدین صورت مناقشات مرزی را آغاز کرد. پس از آن که انگلیس قیمومیت دولت عراق را به دست آورد، یعنی در سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۰ هـ ش / ۲۳-۱۹۲۱ میلادی، که زمان آغاز تشکیل عراق با سیستم قیمومیت بود، مشکلات و معضلات سستی مرزی نواحی غرب ایران در نخستین سال تشکیل پادشاهی عراق، دوباره شروع گردید (ولایتی، ۱۳۸۶: ۲۶). در برخی نواحی بر اساس صورت جلسات کمیسیون فنی سال ۱۹۱۴ م و پروتکل نوامبر ۱۹۱۳ میلادی، میله‌گذاری‌هایی انجام گرفت، اما در مورد آب رودخانه‌های گنگیر در سومار و کنجان‌چم در مهران بین دولت ایران و عراق اختلاف به وجود آمد. هم‌چنین عراق در مورد حاکمیت بر اراضی باغشاهی (در مهران) از سوی عشایر و مقامات

ایرانی با مشکلاتی مواجه گردید. در این میان اقدام والی پشتکوه به منظور پذیرش تابعیت از عراق، نیز موجب بروز حساسیت دولت ایران شد (کوهستانی نژاد، ۱۳۸۴: ۶۷).

یکی دیگر از مهم‌ترین و دردسرسازترین مسائل موجود بین ایران و دولت نوپای عراق در سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۰ ه.ش مسئله حضور اتباع ایرانی در عراق بود. به دلیل وقوع جنگ جهانی اول در عراق، کسب‌وکار زیاد شده بود. بنابراین عده‌ای زیاد از مردم ایلام و خوزستان به عراق مسافرت کردند تا در ادارات مختلف، هم‌چون احداث راه‌آهن، بندر سازی، ساختمان‌سازی و غیره مشغول کار شوند. در جنگ جهانی اول حدود پنجاه تا شصت هزار نفر کارگر ایرانی در عراق به ویژه در قسمت‌های جنوبی عراق مشغول به کار بوده‌اند. بر اساس گزارش وزارت امور خارجه ایران در این عصر بیش از نیم میلیون نفر ایرانی در تمام شهرهای عراق زندگی می‌کردند. پس از جنگ، عده‌ای زیاد از ایرانی‌ها به وطن بازگشتند (کوهستانی نژاد: ۶۹-۶۸/ اکبری، ج، ۱۳۹۳: ۱۵۳-۱۴۹).

والیان پشتکوه که مرزداران ایرانی در ایلام بودند همیشه با قاطعیت، هجوم عثمانی‌ها را به اراضی صیفی و ملخطای دفع می‌کردند و مانع از تصرف آن مناطق توسط عثمانی‌ها شدند (مرادی مقدم، ۱۳۸۵: ۱۱۴). این اختلافات تا انقراض والیان پشتکوه ادامه داشت (یعقوبی، ۱۳۸۹: ۷۱). در تاریخ ۱۳۱۱/۵/۱۲ ه.ش از سوی وزارت امور خارجه عراق به سفارت شاهنشاهی ایران اطلاع داده شد که در منصورآباد (مهران)، مأموران سرحدی ایران اقدام به حفر نهر رضا آباد کرده‌اند. چون حفر نهر مزبور باعث کاهش جریان آب رودخانه کنجان‌چم به سمت زرباطیه عراق می‌شد، از این‌رو از دولت ایران خواسته شد از حفر کانال مذکور جلوگیری به عمل آورند. حفر این نهر شبیه به لایروبی بوده؛ زیرا به دلیل عدم استفاده، مدتی متروکه شده بود. دولت ایران برای رفع این مشکل و پاسخ به اعتراض وزارت خارجه عراق، دستور توقف حفر این نهر را صادر کرد (یعقوبی: ۱۳۸۹: ۷۲).

در ادامه اختلافات ایران و عراق بر سر رودخانه کنجان‌چم، حاکم نظامی پشتکوه، گزارش داده است که اهالی زرباطیه سه نهر از نهرهایی که به سمت منصورآباد در جریان بوده را خراب کرده‌اند. مردم منصورآباد برای تأمین آب مورد نیاز خود مجبور شدند با اسلحه از این نهرها حراست کنند، اما اهالی زرباطیه - با نیروی بیشتر به محافظین و مزدداران ایرانی حمله کرده و آب را به سمت زرباطیه جاری کردند. نیروهای دولتی ایران به کمک مردم منصورآباد رفته و دوباره آب را به سمت منصورآباد جاری کردند (یعقوبی، ۱۳۸۹: ۷۳). در سال ۱۳۱۳ ش دولت عراق در مورد اختلاف نظرش با دولت ایران بر سر اروندرود و رودخانه کنجان‌چم در مهران به جامعه ملل شکایت کرد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۱۵۹-۱۵۷). در اواخر سال ۱۳۱۶ ه.ش، اداره کل فلاحت ایران، طرحی را برای ایجاد یک سد در منطقه علیای رودخانه کنجان‌چم بر روی آن رودخانه، تهیه کرد که موجب اعتراض دولت عراق گردید (کوهستانی‌نژاد: ۳۴۵).

۵- مناقشات مرزی عراق با ایران بر سر باغشاهی و ایلامی‌های ساکن عراق

عراقی‌ها در سال ۱۳۰۵ ه.ش در اراضی باغشاهی (بین مهران و دهلران) که ملک شخصی غلامرضاخان والی ایلام بود پاسگاه نظامی و گمرک تأسیس کردند. اتباع غلامرضاخان که در آنجا سکونت داشتند، با مأموران مرزی عراق درگیر شده و هشت نظامی عراقی را کشتند. همین مسئله باعث شد دولت عراق واحدهایی از نیروهای نظامی خود را به این منطقه اعزام کند. پس از آن چندین پاسگاه نظامی دیگر در این منطقه احداث کردند. تأسیس پاسگاه‌های نظامی و حضور مزدداران عراقی در باغشاهی موجب اعتراض ایران به دولت عراق گردید و خواستار عقب‌نشینی نیروهای عراقی از باغشاهی شد (اکبری، ۱۳۹۳ الف: ۵۶، کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۸۴-۱۸۳). به دلیل ورود نیروهای دولتی به ایلام، اتباع و هواداران والی، حاضر به تخلیه باغشاهی (داخل خاک عراق) نشدند تا تحت تعقیب نیروهای دولتی ایران قرار نگیرند. دولت ایران در حمایت از منطقه باغشاهی و مردم ایلام هوادار والی مستقر در آنجا در سال ۱۳۰۶ ه.ش دست به

اقدام زد و بر اساس پروتکل ۱۹۱۳ میلادی، اراضی باغشاهی را جزء املاک والی ایلام دانست و خواستار عدم احداث پاسگاه از سوی عراقی‌ها در این منطقه شد (کوهستانی‌نژاد: ۱۸۵-۱۸۴). این مسائل و اختلافات مرزی عراق با ایران در سایر نقاط غرب کشور موجب تیرگی روابط بین دو کشور گردید.

به دنبال این تیرگی روابط ایران و عراق، چندی بعد مناسبات تا حدودی بهبود یافت؛ زیرا عده‌ای از گُردهای فیلی ایلامی مقیم عراق خواهان بازگشت به ایران شدند (اکبری، الف، ۱۳۹۳: ۵۷). دولت ایران به اتباع والی ایلام عفو داد؛ اما والی و بستگانش از اقامت در ایلام و اطراف آن منع شدند و بدین صورت والی به تابعیت عراق درآمد. در سال ۱۳۰۷ ه.ش حدود شش هزار خانوار ایلامی در عراق سکونت داشته‌اند که تقریباً چهار هزار خانوار از آن‌ها در شهر بغداد و در محله‌ای معروف به فیلی زندگی می‌کرده‌اند و نزدیک به پانصد خانوار نیز در اطراف مندلی عراق و دویست خانوار در اطراف خانقین زندگی می‌کرده‌اند که به ملکشاهی و ارکوازی معروف بوده‌اند (کوهستانی‌نژاد، ۱۳۸۴: ۱۹۳-۱۸۵). بدرفتاری عراقی‌ها با ایرانیان مقیم عراق و اخراج آنان یکی از عوامل مهم تیرگی در روابط ایران و عراق بوده است. دولت عراق از وجود ایرانیان مقیم آن کشور به عنوان ابزاری برای فشار علیه دولت ایران استفاده می‌کرد. دولت عراق ایرانیان مقیم عراق را متهم به «ستون پنجم» ایران می‌کرد و خواستار تابعیت یا ترک آنان از عراق بود. دولت عراق پروانه کار ایرانیانی را که حاضر به پذیرفتن این دستور نبودند، لغو و اموالشان را مصادره می‌کرد. دولت ایران به این اقدام اعتراض کرد و حتی در سال ۱۳۴۵ ه.ش تلاش زیادی کرد که ایرانیان مقیم عراق را به بازگشت به ایران تشویق نماید و وعده داد که برای استقرار آن‌ها، زمین و کمک‌های مالی در اختیارشان قرار دهد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۳۰۹).

تیمور بختیار که اولین رئیس ساواک محمدرضاشاه پهلوی بود، پس از آن که توسط علی امینی نخست‌وزیر وقت ایران بازنشسته شد، به مخالفت با شاه پرداخت و به عراق رفت و با استخدام عده‌ای از ایرانیان مقیم عراق و پیوستن عده‌ای از گُردهای عراق و

بعضی از اعضای حزب بعث عراق به او، در نوار مرزی ایران از خوزستان تا موسیان، دهلران، مهران، سومار و قصرشیرین به فعالیت چریکی علیه رژیم پهلوی پرداخت. در جریان مخالفت تیمور بختیار با رژیم پهلوی در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۴۹ ه.ش برخی از مردم استان ایلام با پیوستن به او، ضمن مخالفت با رژیم پهلوی، به استخدام وی درآمدند و علیه دولت پهلوی فعالیت چریکی کردند (اکبری، ج، ۱۳۹۳: ۱۵۳). بعدها در حدود ۲۰۰ نفر از اعضای گروه تیمور بختیار دستگیر شدند، از این تعداد، ۸۶ نفر اعتراف به همکاری با تیمور بختیار کردند، که هشتاد نفرشان ایلامی بود. ساواک این افراد را به خدمت خود درآورد و با کسب اطلاعات زیادی از آنها در خصوص گروه تیمور بختیار، به مقابله با آنان پرداخت (یعقوبی، ۱۳۸۹: ۱۰۱-۹۸).

در جریان درگیری گُردهای عراق به رهبری ملامصطفی بارزانی در سال‌های ۹-۱۹۶۸ م. (۱۳۴۷ تا ۱۳۴۹ ه.ش) با دولت حزب بعث عراق برای کسب خودمختاری (تیمیرمن، ۱۳۸۲: ۴۷)، برخی از مردم استان ایلام به درخواست دولت پهلوی از ملامصطفی بارزانی و گُردهای عراق حمایت کردند. حدود هفت صد نفر از عشایر ایلام و کرمانشاه به گُردهای بارزانی کمک کردند (اکبری، ج، ۱۳۹۳: ۱۵۹). در سال ۱۳۴۷ ه.ش / ۱۹۶۸ میلادی، اختلافات مرزی بین ایران و عراق بر سر بعضی از مناطق مرزی ادامه پیدا کرد (شیرازی، ۱۳۸۹: ۲۳۷). اختلافات مرزی عراق با ایران در سال‌های آغازین حکومت حزب بعث در عراق باعث گردید دولت عراق تعدادی از ایرانی‌الصل‌های شیعه مذهب مقیم عراق را به ایران عودت دهد (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۳۳۷). در بهار ۱۳۴۸ دولت حزب بعث عراق به پلیس خود دستور داد تا ایرانیان مقیم عراق را مورد اذیت و آزار قرار داده و تعدادی از آنان را دستگیر نموده و از عراق اخراج نماید (اکبری، ج، ۱۳۹۳: ۱۵۳). در مدت کوتاهی حدود بیست هزار ایرانی آواره در مرز خسروی و قصر شیرین جمع و از عراق اخراج شدند. دولت عراق ورود شیعیان ایرانی به عراق را غیرقانونی دانست و اعلام کرد به جای زندانی شدن، آنها را از عراق اخراج کرده است

(جعفری ولدانی: ۱۳۷۶: ۳۷۲-۳۷۰). اخراج ایرانیان مقیم عراق از آن کشور موجب تیرگی روابط ایران و عراق گردید.

۶- مناقشات سال ۱۳۵۲ ه.ش ایران و عراق در مرز ایلام

ادعای عراق مبنی بر مالکیت برخی از مناطق مرزی، بعضی از تپه‌ها و کوه‌های نوار مرزی ایلام، باعث شد در سال ۱۳۵۲ ه.ش درگیری‌هایی بین ایران و عراق در مهران روی دهد. از این رو در چهاردهم بهمن ۱۳۵۲ درگیری شدیدی بین مرزداران و ارتش عراق با مرزداران و ارتش ایران در مهران صورت گرفت که منجر به کشته شدن یک تن از سربازان ایران و زخمی شدن چند نفر دیگر گردید. در ادامه درگیری‌های مرزی ایران و عراق، شدیدترین و خونین‌ترین نبرد در تاریخ بیست‌ویکم بهمن ۱۳۵۲ ش در نوار مرزی مهران از توابع استان ایلام روی داد که بزرگ‌ترین برخورد نظامی در طول روابط چندین ساله‌ی ایران و عراق بود (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۴۵۲-۴۵۳). این نبرد به یکشنبه خونین معروف شد. در این نبرد چهارده نفر از عراقی‌ها و ۴۱ نفر از مأموران مرزی ایران کشته شدند و ۸۱ نفر هم مجروح گردیدند (عاقلی، ۱۳۷۴: ۲۸۱). در این جنگ ستوان سالاری مرزدار ایرانی به همراه نیروهای ژاندارم تحت فرمانش تا آخرین نفس با ارتش متجاوز عراق جنگیده و به شهادت رسیدند. پس از آن یکی از پاسگاه‌های مرزی مهران به نام شهید سالاری نام‌گذاری گردید (اکبری، ۱۳۹۳: ۲۹). آمار کشته‌ها و مجروحین این نبرد در منابع متفاوت است. در برخی دیگر از منابع آمار کشته‌های عراقی را تا ۳۹ نفر و کشته‌ها و مجروحین طرفین را دویست کشته و زخمی ذکر کرده‌اند (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۴۵۲؛ برزگر، ۱۳۸۴: ۶۴). در جریان درگیری‌های مرزی ایران و عراق در سال ۱۳۵۲ دفاع از مرزها بر عهده‌ی نیروهای ژاندارمری مستقر در پاسگاه‌های مرزی بود و تا رسیدن قوای کمکی و ارتش به مهران و سایر نقاط مرزی، کارکنان ژاندارمری در برابر متجاوزین عراق مقاومت کردند. در این درگیری‌ها

نیروهای مردمی و عشایری نقش مؤثری در امداد رسانی و کمک به نیروهای دولتی در دفاع از مرزها ایفا کردند.

محدوده قلمرو عملیات یکشنبه خونین ۱۳۵۲ هـ ش شامل مناطق وسیعی از مهران از توابع استان ایلام بود. این عملیات در روستاهای رضا آباد، بهین، کنجان چم، صالح آباد، بهروزان، رستم آباد و مهران انجام گرفت. همچنین، این عملیات در خاک عراق در محدوده مرزی ایران و در روستاهای طغان و رمه زیاد، زرباطیه و شهر بدره عراق روی داد. یکی از اقدامات مهم دولت عراق در عملیات یکشنبه خونین در ۲۱ بهمن ۱۳۵۲ هـ ش آن بود که نیروهای عراقی و جنگنده‌های آنان تصمیم گرفتند، سد کنجان چم را منهدم کنند که تا این زمان در مناقشات طرفین انهدام تأسیسات بی سابقه بود (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۴۵۳).

پس از نبردهای خونین ایران و عراق در نوار مرزی به ویژه یکشنبه خونین (۲۱ بهمن ۱۳۵۲ ش) در مهران، دولت عراق مجدداً در تاریخ دوازدهم فوریه ۱۹۷۴ م/ ۲۳ بهمن ۱۳۵۲ ش از ایران به سازمان ملل شکایت و ایران را متهم به تجاوز به خاک عراق کرد. کورت والدهایم، دبیر کل سازمان ملل متحد، در اجرای سیاست تصمیم شورای امنیت، سفیر مکزیک (لویس ویکمن مونز) را برای رسیدگی به اختلافات مرزی ایران و عراق در رأس هیئتی به نوار مرزی ایران و عراق در مناطق مهران و قصر شیرین اعزام کرد. با ورود این هیئت، بار دیگر آرامش مناطق مرزی به هم خورد. بار دیگر در روزهای ۱۴، ۱۷ و ۲۷ اسفند ۱۳۵۲ هـ ش نبردهای شدیدی بین نیروهای ایرانی و عراقی صورت گرفت که منجر به تلفات سنگینی از طرفین شد. در نبردهای ۱۴ اسفند دو دولت ایران و عراق از تانک‌ها، خمپاره‌اندازها و آتشبارهای سنگین استفاده کردند. در این نبرد که حدود ۲۰ ساعت به طول انجامید، یک سرباز ایرانی کشته و ۲۰ نفر دیگر زخمی شدند. صحنه عملیات نظامی این بار به شهرستان قصر شیرین یعنی از سومار تا قصر شیرین انتقال یافت (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۴۵۷-۴۵۵). پس از بازدید نماینده سازمان ملل متحد از نوار مرزی ایران و عراق، گزارش او منجر به قطعنامه‌ی ۳۴۸ شد که به آتش بس و عقب‌نشینی نیروهای طرفین به نوار مرزی انجامید (ازغندی، ۱۳۸۳: ۴۰۷-۴۰۶). به منظور

رفع مناقشات مرزی ایران و عراق، از تاریخ سیزده تا پانزدهم اسفندماه ۱۳۵۳ ش / چهار تا ششم مارس ۱۹۷۵ م. در الجزیره مذاکراتی بین ایران و عراق روی داد که منجر به قرارداد الجزایر در تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۵۴ ش / ۱۹۷۵ م. گردید (ولایتی، ۱۳۸۶: ۳۴-۳۶ / ازغندی، ۱۳۸۳: ۴۰۷-۴۰۶). این قرارداد تا جنگ تحمیلی در سال ۱۳۵۹، موجب بهبود روابط بین ایران و عراق گردید و دو کشور اختلافات مرزی را کنار گذاشتند.

نتیجه‌گیری

ایران و عثمانی در دوره‌های صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه در غرب کشور و از جمله در نوار مرزی ایلام تا سقوط امپراتوری عثمانی در جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴ میلادی) بر سر نوار مرزی، مناقشات و اختلافات زیادی داشتند. در این مدت والیان پشتکوه با تمام وجود از مرزهای ایران در نوار مرزی استان ایلام کنونی با نیروهای تحت فرمانشان دفاع می‌کردند و مانع تجاوز عثمانی‌ها به این منطقه می‌شدند. پس از تشکیل دولت عراق، اختلافات ایران و عراق بر سر نوار مرزی ادامه پیدا کرد و در نهایت منجر به جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه ایران (۱۳۶۷-۱۳۵۹) گردید. به طور کلی می‌توان گفت: نیاز شدید مردم مناطق بدره، جسان و زرباطیه عراق به آب رودخانه‌های مرزی، خودخواهی و زیاده‌طلبی مسئولان و دولت‌مردان عثمانی و عراق برای تسلط بر قسمت‌هایی از خاک ایران در نوار مرزی، حضور افراد زیادی از اهالی ایلام در عراق که به صورت غیرقانونی برای کسب‌وکار به آنجا مهاجرت کرده بودند و مشخص نشدن حدود دقیق مرزهای ایران با عثمانی به ویژه در مناطق صیفی و ملخطاوی از توابع مهران که دولت عثمانی ادعای مالکیت آن مناطق را داشت و اختلاف بر سر باغشاهی بین ایران و عراق، مهم‌ترین علل و عوامل و زمینه‌های بروز مناقشات مرزی ایران و دولت‌های عثمانی و عراق در دوره‌های قاجاریه و پهلوی بوده است.

منابع

- ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۱)، کامل تاریخ بزرگ اسلام و ایران، ترجمه ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
- اتحادیه، منصوره (نظام مافی) (۱۳۷۲)؛ رضاقلی خان نظام‌السلطنه (صورت جلسات هیئت دولت مهاجرت)، تهران: نشر تاریخ ایران.
- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۳)، روابط خارجی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰، چاپ چهارم، تهران: نشر قومس.
- اسکندر بیگ منشی (۱۳۷۷)، تاریخ عالم آرای عباسی، جلد (۲) به تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. تهران: انتشارات دنیای کتاب.
- اکبری، مرتضی (۱۳۸۶)، تاریخ استان ایلام از آغاز تا سقوط قاجاریه، قم: فقه.
- اکبری، مرتضی (۱۳۹۲)، تاریخ دفاع مقدس استان ایلام، دانشنامه ایلام، ایلام: جوهر حیات.
- اکبری، مرتضی (۱۳۹۳)، الف، تاریخ استان ایلام در عصر پهلوی، دانشنامه ایلام، ایلام: جوهر حیات.
- اکبری، مرتضی (۱۳۹۳)، ب، سومار در مسیر تاریخ، ایلام: جوهر حیات.
- اکبری، مرتضی (۱۳۹۳)، ج، فصلنامه علمی - ترویجی فرهنگ ایلام، «روابط ایران و عراق در عصر پهلوی (با نگاهی به نقش مردم ایلام در روابط دو کشور)، شماره ۴۲ و ۴۳ بهار و تابستان. صص ۱۶۵-۱۴۷
- بدیعی، ربیع (۱۳۶۲)، جغرافیای مفصل ایران، جلد ۳. تهران: اقبال.
- برزگر، علیرضا (۱۳۸۴)، روزشمار جنگ تحمیلی، چاپ دوم، تهران: سروش.
- تیمبرمن، کنت آر (۱۳۸۲)، ناگفته‌های جنگ عراق با ایران، سوداگری مرگ، ترجمه‌ی احمد تدین، چاپ سوم، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۶)، بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق، چاپ سوم، تهران: وزارت امور خارجه.
- راولینسون، سر هنری (۱۳۶۲)، سفرنامه راولینسون (گذری از ذهاب به خوزستان)، ترجمه‌ی سکندر امان‌اللهی بهاروند، تهران: آگاه.
- سپهر، مورخ الدوله (۱۳۶۲)، ایران در جنگ بزرگ، تهران: نشر ادیب.
- سیستانی، ایرج افشار (۱۳۷۲)، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- شیرازی، رضا (۱۳۸۹)، قراردادهای مرزی پانصد سال اخیر ایران، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- صحرائی، محمد (۱۳۸۹)، تاریخ دفاع مقدس در استان ایلام، تهران: نشر فاتحان.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۵۲)، گزارش‌های سیاسی میرزا محمود خان علاءالملک طباطبایی، چاپ دوم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۴)، روزشمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، جلد ۲، چاپ چهارم، تهران: نشر گفتار.
- عباسی، محمدرضا (۱۳۷۲)، حکومت سایه‌ها، اسناد محرمانه و سیاسی میرزا حسین خان سپهسالار، به کوشش محمدرضا عباسی، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی.
- فراشبندی، علی مراد (۱۳۶۵)، جنوب ایران در مبارزات ضد استعماری، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
- کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۸۴)، چالش‌ها و تعاملات ایران و عراق در نیمه نخست سده بیستم، تهران: وزارت امور خارجه.
- گزیده اسناد سیاسی ایران و عثمانی دوره قاجار (۱۳۶۹)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- لرد کرزون، جرج. ن. (۱۳۵۰)، ایران و قضیه ایران، جلد (۲) ترجمه ع. وحید مازندرانی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ طبری، جلد ۵، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- مجد، محمدقلی (۱۳۹۰)، انگلیس و اشغال ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه مصطفی امیری، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
- مرادی‌مقدم، مراد (۱۳۸۵)، تاریخ سیاسی اجتماعی کردهای فیلی در عصر والیان پشتکوه (ایلام)، تهران: پرسمان.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۷)، سالنامه آماری کشور، تهران: مرکز آمار ایران.
- مهدی نیا، جعفر (۱۳۶۹)، نخست‌وزیران ایران (۴)، زندگی سیاسی سید ضیاءالدین طباطبائی، تهران: انتشارات پانوس.
- مهران، مجید (۱۳۸۸)، پیدا و ناپیداری دیپلماسی، گزیده‌ای از گزارش‌های سیاسی سفرای ایران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

- نصیری، محمدرضا (۱۳۷۱)، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران (فاجاریه)، جلد (۳)، به اهتمام محمدرضا نصیری، تهران: کیهان.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۹)، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق بر جمهوری اسلامی ایران، چاپ ششم، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- یاقوت حموی (۱۳۶۲)، برگزیده مشترک یاقوت حموی، ترجمه محمد پروین گنابادی، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.
- یعقوبی، ابراهیم (۱۳۸۶)، تاریخ والیان پشتکوه (ایلام)، قم: مؤسسه مطبوعاتی دارالکتاب (جزایری).
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (ابن واضح) (۱۳۷۱)، تاریخ یعقوبی، جلد ۲، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، چاپ ششم، تهران: علمی و فرهنگی.
- یعقوبی، کریم و علی (۱۳۸۹)، ایلام در دوره پهلوی از سقوط والی گری تا سقوط پهلوی (۱۳۰۷-۱۳۵۷ ش)، ایلام: جوهر حیات.